

رساله یعقوب

۱ یعقوب که غلام خدا و عیسی مسیح خداوند است به دوازده سبط که پراکنده هستند خوش باشید.

۲ ای برادران من وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید کمال خوشی دانید. ۳ چونکه می‌دانید که امتحان ایمان شما صبر را پیدا می‌کند. ۴ لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید. ۵ و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد سؤال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می‌کند و ملامت نمی‌نماید و به او داده خواهد شد. ۶ لکن به ایمان سؤال بکند و هرگز شک نکند زیرا هر که شک کند مانند موج دریاست که از باد رانده و متلاطم می‌شود. ۷ زیرا چنین شخص گمان نبرد که از خداوند چیزی خواهد یافت. ۸ مرد دودل در تمام رفتار خود ناپایدار است. ۹ لکن برادر مسکین به سرافرازی خود فخر بنماید. ۱۰ و دولتمند از مسکنت خود زیرا مثل گل علف در گذر است. ۱۱ از آنرو که آفتاب با گرمی طلوع کرده علف را خشکانید و گلش به زیر افتاده حسن صورتش زایل شد. به همینطور شخص دولتمند نیز در راههای خود پژمرده خواهد گردید.

۱۲ خوشبحال کسی که متحمل تجربه شود زیرا که چون آزموده شد آن تاج حیاتی را که خداوند به محبان خود وعده فرموده است خواهد یافت. ۱۳ هیچ کس چون در تجربه افتد نگوید "خدا مرا تجربه می‌کند" زیرا خدا هرگز از بدیها تجربه نمی‌شود و او هیچ کس را تجربه نمی‌کند. ۱۴ لکن هر کس در تجربه می‌افتد وقتی که شهوت وی او را می‌کشد و فریفته می‌سازد. ۱۵ پس شهوت آبتن شده گناه را می‌زاید و گناه به انجام رسیده موت را تولید می‌کند. ۱۶ ای برادران عزیز من گمراه مشوید! ۱۷ هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و نازل می‌شود از پدر نورها که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست. ۱۸ او محض اراده خود ما را بوسیله کلمه حق تولید نمود تا ما چون نوبر مخلوقات او باشیم.

^{۱۹} بنابراین ای برادران عزیز من هر کس در شنیدن تند و در گفتن آهسته و در خشم سست باشد. ^{۲۰} زیرا خشم انسان عدالت خدا را به عمل نمی‌آورد. ^{۲۱} پس هر نجاست و افزونی شر را دور کنید و با فروتنی کلام کاشته شده را بپذیرید که قادر است که جانهای شما را نجات بخشد. ^{۲۲} لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب می‌دهند. ^{۲۳} زیرا اگر کسی کلام را بشنود و عمل نکند شخصی را ماند که صورت طبیعی خود را در آینه می‌نگرد. ^{۲۴} زیرا خود را نگریست و رفت و فوراً فراموش کرد که چگونه شخصی بود. ^{۲۵} لکن کسی که بر شریعت کامل آزادی چشم دوخت و در آن ثابت ماند او چون شنونده فراموشکار نمی‌باشد بلکه کننده عمل پس او در عمل خود مبارک خواهد بود. ^{۲۶} اگر کسی از شما گمان برد که پرستنده خدا است و عنان زبان خود را نکشد بلکه دل خود را فریب دهد پرستش او باطل است. ^{۲۷} پرستش صاف و بی‌عیب نزد خدا و پدر این است که یتیمان و بیوه‌زنان را در مصیبت ایشان تفقد کنند و خود را از آلائش دنیا نگاه دارند.

۲ ای برادران من ایمان خداوند ما عیسی مسیح رب الجلال را با ظاهر بینی مدارید. زیرا اگر به کنیسه شما شخصی با انگشتری زرین و لباس نفیس داخل شود و فقیری نیز با پوشاک ناپاک درآید. ^۳ و به صاحب لباس فاخر متوجه شده گویند "اینجا نیکو بنشین" و به فقیر گویند "تو در آنجا بایست یا زیر پای‌انداز من بنشین." ^۴ آیا در خود متردد نیستید و داوران خیالات فاسد نشده‌اید؟ ^۵ ای برادران عزیز گوش دهید. آیا خدا فقیران این جهان را برنگزیده است تا دولت‌مند در ایمان و وارث آن ملکوتی که به محبان خود وعده فرموده است بشوند؟ لکن شما فقیر را حقیر شمرده‌اید. آیا دولت‌مندان بر شما ستم نمی‌کنند و شما را در محکمه‌ها نمی‌کشند؟ ^۷ آیا ایشان به آن نام نیکو که بر شما نهاده شده است کفر نمی‌گویند؟

^۸ اما اگر آن شریعت ملوکانه را برحسب کتاب بجا آورید یعنی "همسایه خود را مثل نفس خود محبت نما" نیکو می‌کنید. ^۹ لکن اگر ظاهر بینی کنید گناه می‌کنید و شریعت شما را به خطاکاری ملزم می‌سازد. ^{۱۰} زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد ملزم همه می‌باشد. ^{۱۱} زیرا او که گفت "زنا مکن" نیز گفت "قتل مکن." پس هر چند زنا نکنی اگر قتل کردی

از شریعت تجاوز نمودی.^{۱۲} همچنین سخن گویند و عمل نمایند مانند کسانی که بر ایشان داوری به شریعت آزادی خواهد شد.^{۱۳} زیرا آن داوری بی‌رحم خواهد بود بر کسی که رحم نکرده است و رحم بر داوری مفتخر می‌شود.

^{۱۴} ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید "ایمان دارم" وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟^{۱۵} پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزینه باشد^{۱۶} و کسی از شما بدیشان گوید "به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید" لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد چه نفع دارد؟^{۱۷} همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است.^{۱۸} بلکه کسی خواهد گفت "تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان خود را بدون اعمال به من بنما و من ایمان خود را از اعمال خود به تو خواهم نمود."^{۱۹} تو ایمان داری که خدا واحد است؟ نیکو می‌کنی! شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند!^{۲۰} و لیکن ای مرد باطل آیا می‌خواهی دانست که ایمان بدون اعمال باطل است؟

^{۲۱} آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه گذرانید؟^{۲۲} می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال کامل گردید.^{۲۳} و آن نوشته تمام گشت که می‌گوید "ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید" و دوست خدا نامیده شد.^{۲۴} پس می‌بینید که انسان از اعمال عادل شمرده می‌شود نه از ایمان تنها.^{۲۵} و همچنین آیا راحاب فاحشه نیز از اعمال عادل شمرده نشد وقتی که قاصدان را پذیرفته به راهی دیگر روانه نمود؟^{۲۶} زیرا چنانکه بدن بدون روح مرده است همچنین ایمان بدون اعمال نیز مرده است.

۳

ای برادران من بسیار معلم نشوید چونکه می‌دانید که بر ما داوری سخت‌تر خواهد شد.^۲ زیرا همگی ما بسیار می‌لغزیم. و اگر کسی در سخن گفتن نلغزد او مرد کامل است و می‌تواند عنان تمام جسد خود را بکشد.^۳ و اینک لگام را بر دهان اسبان می‌زنیم تا مطیع ما شوند و تمام بدن آنها را برمی‌گردانیم.^۴ اینک کشتیها نیز چقدر بزرگ است و از بادهای سخت رانده می‌شود لکن با سکان کوچک به هر طرفی که اراده ناخدا باشد برگردانیده می‌شود.^۵ همچنان زبان

نیز عضوی کوچک است و سخنان کبرآمیز می‌گوید. اینک آتش کمی چه جنگل عظیمی را می‌سوزاند. ^۷ و زبان آتشی است! آن عالم ناراستی در میان اعضای ما زبان است که تمام بدن را می‌آلاید و دایره کائنات را می‌سوزاند و از جهنم سوخته می‌شود!

^۸ زیرا که هر طبیعتی از وحوش و طیور و حشرات و حیوانات بحری از طبیعت انسان رام می‌شود و رام شده است. ^۹ لکن زبان را کسی از مردمان نمی‌تواند رام کند. شرارتی سرکش و پر از زهر قاتل است! ^{۱۰} خدا و پدر را به آن متبارک می‌خوانیم و به همان مردمان را که به صورت خدا آفریده شده‌اند لعن می‌گوییم. ^{۱۱} از یک دهان برکت و لعنت بیرون می‌آید! ای برادران شایسته نیست که چنین شود. ^{۱۲} آیا چشمه از یک شکاف آب شیرین و شور جاری می‌سازد؟ ^{۱۳} یا می‌شود ای برادران من که درخت انجیر زیتون یا درخت مو انجیر بار آورد؟ و چشمه شور نمی‌تواند آب شیرین را موجود سازد.

^{۱۴} کیست در میان شما که حکیم و عالم باشد؟ پس اعمال خود را از سیرت نیکو به تواضع حکمت ظاهر بسازد. ^{۱۵} لکن اگر در دل خود حسد تلخ و تعصب دارید فخر مکنید و به ضد حق دروغ مگویید. ^{۱۶} این حکمت از بالا نازل نمی‌شود بلکه دنیوی و نفسانی و شیطانی است. ^{۱۷} زیرا هرجایی که حسد و تعصب است در آنجا فتنه و هر امر زشت موجود می‌باشد. ^{۱۸} لکن آن حکمت که از بالا است اول طاهر است و بعد صلح‌آمیز و ملایم و نصیحت‌پذیر و پر از رحمت و میوه‌های نیکو و بی‌تردد و بی‌ریا. ^{۱۹} و میوه عدالت در سلامتی کاشته می‌شود برای آنانی که سلامتی را بعمل می‌آورند.

۴ از کجا در میان شما جنگها و از کجا نزاعها پدید می‌آید؟ آیا نه از لذت‌های شما که در اعضای شما جنگ می‌کند؟ ^۲ طمع می‌ورزید و ندارید می‌کشید و حسد می‌نمایید و نمی‌توانید به چنگ آرید و جنگ و جدال می‌کنید و ندارید از این جهت که سؤال نمی‌کنید ^۳ و سؤال می‌کنید و نمی‌یابید از اینرو که به نیت بد سؤال می‌کنید تا در لذات خود صرف نمایید. ^۴ ای زانیات آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا دشمنی خداست؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد دشمن خدا گردد. ^۵ آیا گمان دارید که کتاب عبث می‌گوید روحی که او را در ما ساکن

کرده است تا به غیرت بر ما اشتیاق دارد؟ لیکن او فیض زیاده می‌بخشد. بنابراین می‌گوید "خدا متکبران را مخالفت می‌کند اما فروتنان را فیض می‌بخشد."

^۷ پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگریزد. ^۸ و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاهر سازید ای گناهکاران و دل‌های خود را پاک کنید ای دودلان. ^۹ خود را خوار سازید و ناله و گریه نمایید و خنده شما به ماتم و خوشی شما به غم مبدل شود. ^{۱۰} در حضور خدا فروتنی کنید تا شما را سرافراز فرماید.

^{۱۱} ای برادران یکدیگر را ناسزا مگویید زیرا هر که برادر خود را ناسزا گوید و بر او حکم کند شریعت را ناسزا گفته و بر شریعت حکم کرده باشد. لکن اگر بر شریعت حکم کنی عامل شریعت نیستی بلکه داور هستی. ^{۱۲} صاحب شریعت و داور یکی است که بر رهانیدن و هلاک کردن قادر می‌باشد. پس تو کیستی که بر همسایه خود داوری می‌کنی؟

^{۱۳} هان ای کسانی که می‌گویید "امروز و فردا به فلان شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال بسر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و نفع خواهیم برد" ^{۱۴} و حال آنکه نمی‌دانید که فردا چه می‌شود از آنرو که حیات شما چیست؟ مگر بخاری نیستید که اندک زمانی ظاهر است و بعد ناپدید می‌شود؟ ^{۱۵} به عوض آنکه باید گفت که "اگر خدا بخواهد زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم." ^{۱۶} اما الحال به عجب خود فخر می‌کنید و هر چنین فخر بد است. ^{۱۷} پس هر که نیکویی کردن بداند و بعمل نیاورد او را گناه است.

ه هان ای دولتمندان بجهت مصیبت‌هایی که بر شما وارد می‌آید گریه و ولوله نمایید. ^۲ دولت شما فاسد و رخت شما بیدخورده می‌شود. ^۳ طلا و نقره شما را زنگ می‌خورد و زنگ آنها بر شما شهادت خواهد داد و مثل آتش گوشت شما را خواهد خورد. شما در زمان آخر خزانه اندوخته‌اید. ^۴ اینک مزد عمل‌هایی که کشته‌های شما را درویده‌اند و شما آن را به فریب نگاه داشته‌اید فریاد برمی‌آورد و ناله‌های دروگران به گوش‌های رب‌الجنود رسیده است. ^۵ بر روی زمین به ناز و کامرانی مشغول بوده دل‌های خود را در یوم قتل پروردید. ^۶ بر مرد عادل فتوی دادید و او را به قتل رسانیدید و با شما مقاومت نمی‌کند.

۷ پس ای برادران تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید. اینک دهقان انتظار می‌کشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را بیابد. ^۸ شما نیز صبر نمایید و دل‌های خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است. ^۹ ای برادران از یکدیگر شکایت مکنید مبادا بر شما حکم شود. اینک داور بر در ایستاده است. ^{۱۰} ای برادران نمونه زحمت و صبر را بگیرید از انبیایی که به نام خداوند تکلم نمودند. ^{۱۱} اینک صابران را خوشحال می‌گوییم و صبر ایوب را شنیده‌اید و انجام کار خداوند را دانسته‌اید زیرا که خداوند بغایت مهربان و کریم است.

^{۱۲} لکن اول همه ای برادران من قسم مخورید نه به آسمان و نه به زمین و نه به هیچ سوگند دیگر بلکه بلی شما بلی باشد و نی شما نی مبادا در تحکم بیفتید.

^{۱۳} اگر کسی از شما مبتلای بلایی باشد دعا بنماید و اگر کسی خوشحال باشد سرود بخواند. ^{۱۴} و هرگاه کسی از شما بیمار باشد کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند. ^{۱۵} و دعای ایمان مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید و اگر گناه کرده باشد از او آمرزیده خواهد شد. ^{۱۶} نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد. ^{۱۷} الیاس مردی بود صاحب حواس مثل ما و به تمامی دل دعا کرد که باران نبارد و تا مدت سه سال و شش ماه نبارید. ^{۱۸} و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را رویانید.

^{۱۹} ای برادران من اگر کسی از شما از راستی منحرف شود و شخصی او را بازگرداند. ^{۲۰} بدانند هر که گناهکار را از ضلالت راه او برگرداند جانی را از موت رهنانیده و گناهان بسیار را پوشانیده است.